



۰

در نیمه اول سده حاضر شمسی، ایجاد و توسعه شرکت‌های دولتی عمدتاً مطابق با مبانی اقتصادی بوده و شرکت‌های دولتی ابزارهای دولت در اقتصاد برای انجام وظایف عملیاتی و تصدی‌گری بوده است. لکن بعد از افزایش یکباره درآمدهای دولت در اوایل دهه ۵۰ و تمایل به توسعه فعالیت‌ها و حضور در زمینه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی توسط دولت، تعداد شرکت‌های دولتی افزایش یافت و متناسب با حضور بیشتر دولت در اقتصاد، شرکت‌های دولتی سهم بیشتری از فعالیت‌ها را به خود اختصاص دادند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی با خروج اکثر سرمایه‌داران بزرگ کشور و لاجرم رها شدن واحدهای تولیدی تحت تملک آن‌ها، بدهکاری بسیاری از واحدهای تولیدی و تجاری به بانک‌های کشور و عدم بازپرداخت وام‌های دریافتی آن‌ها، تصویب قانون اساسی (به‌خصوص اصل ۴۴) و نیز ضرورت حضور گسترده‌تر دولت در امور اقتصادی به منظور برقراری توازن در امور معیشتی مردم در شرایط جنگ و بحران، واحدهای بسیاری به مالکیت دولت درآمد و مدیران دولتی اداره آن‌ها را به عهده گرفتند. این امر به نوبه خود بر تعداد شرکت‌های دولتی و تنوع عرصه فعالیت‌های آن‌ها افزود. لکن تفاوت عمده آن نسبت به دوره‌های قبل، حضور تعداد زیاد و متنوع شرکت‌هایی بوده که از نقطه‌نظر ماهیت و هدف تشکیل، تطابقی با اهداف و فلسفه ایجاد شرکت‌های دولتی نداشتند.

گزارش حاضر نتیجه یازده جلسه برگزار شده با حضور نمایندگان محترم سازمان‌های حسابرسی، مدیریت و برنامه‌ریزی و خصوصی‌سازی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، دیوان محاسبات کشور و مرکز پژوهش‌های مجلس در کمیته نظارت کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی است که از مرداد الی آذر ماه سال



[Empty rectangular box]

[Empty box] : [Empty box] :

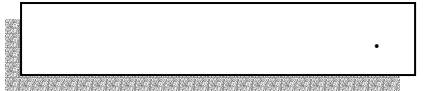
.....

.....

.....



۱۳۸۱ برگزار گردید و هدف مرحله اول آن بررسی مسائل شرکت‌های دولتی از جوانب مختلف است.



تعداد شرکت‌های دولتی محدود به ۵۱۱ شرکت نام برده شده در قانون بودجه سال ۱۳۸۱ نیست، تعداد زیادی شرکت تحت مدیریت و کنترل دولت هستند که اسمی از آن‌ها در قانون بودجه نیست و تعداد دقیق آن‌ها نیز بر هیچ یک از متولیان امر مشخص نیست.^۱

بدون در نظر گرفتن شرکت‌های تحت کنترل دولت (همچون ایران خودرو، سایپا و ...) و شرکت‌های متعلق به نهادهای عمومی که در حقیقت با تفکر کاملاً دولتی اداره می‌شوند و ردیف بودجه‌ای هم ندارند فقط ۵۱۱ شرکت موجود در قانون بودجه حجم قابل توجهی از کل بودجه کشور را شامل می‌شود. به طوری که طی ۱۰ سال گذشته بودجه شرکت‌های دولتی، مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت و بانک‌ها هر ساله بیش از ۶۰ درصد از کل بودجه کشور را به خود اختصاص داده‌اند.

شرکت‌های دولتی با توجه به حجم گسترده فعالیت می‌توانند به طرق گوناگون ساختار کلی بودجه عمومی دولت را تحت تأثیر قرار دهند و آثار آن هم بر دریافت‌ها و هم بر پرداخت‌های بودجه عمومی دولت دارای اهمیت است. این شرکت‌ها از طریق پرداخت مالیات و سود سهام به دریافت‌های خزانه کشور کمک می‌کنند از سوی دیگر در صورت زیان‌دهی تمامی بخش‌های زیرمجموعه منابع عمومی دولت تأمین می‌گردد.

۱. به عنوان نمونه هر یک از سازمان‌های حاضر در جلسات برگزار گردیده در مورد تعداد شرکت‌ها، اعداد مختلفی را ذکر می‌نمودند.



بر این مقوله یارانه پرداختی به برخی از شرکت‌ها که مباشر تولید یا توزیع کالاهای اساسی، دفاع و استراتژیک هستند اضافه می‌شود. به علاوه برخی از شرکت‌ها از محل منابع عمومی دولت مبادرت به اجرای طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای می‌کنند.^۲

از طرف دیگر شرکت‌های دولتی بخش بزرگی از تولید ملی، سرمایه‌گذاری و اشتغال را در اقتصاد کشور به خود اختصاص داده‌اند به طوری که تحقق هدف‌های دولت بستگی زیاد به وضع عمومی این شرکت‌ها پیدا کرده و فعالیت آن‌ها شاخص‌های کلان اقتصادی از جمله سطح عمومی قیمت‌ها، نرخ اشتغال و سطح تولید را به شدت متأثر می‌سازد (برای نمونه نسبت بودجه شرکت‌های دولتی به تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۸۰ حدوداً ۴۸ درصد بوده است). در ضمن این شرکت‌ها از طریق دریافت تسهیلات ارزان بانکی، سیستم بانکی را تحت تأثیر قرار داده و آثار قابل توجهی بر گردش نقدینگی و منابع مالی جامعه دارند.

حجم عظیم شرکت‌های دولتی به لحاظ دارایی‌های تحت پوشش، میزان فروش و تعداد کارکنان از یک طرف و روند رو به کاهش درآمدهای نفتی از طرف دیگر توجه به این شرکت‌ها را که افزایش بازدهی و بهره‌وری دارایی‌های آن‌ها یکی از حلقه‌های اصلی توسعه کشور است افزایش داده است.

در کنار موارد مطروحه با بررسی وضعیت مالی شرکت‌های دولتی (طبق صورت‌های مالی رسیدگی شده این شرکت‌ها در سال ۱۳۸۰) نکات قابل توجه مشاهده می‌شود.

طبق اطلاعات موجود سازمان حسابرسی از ۱۹۴۹ شرکت دولتی شناسایی شده ۱۰۳۸ شرکت تحت پوشش وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی، ۵۴۸ شرکت تحت

۲. تأثیر خالص فعالیت‌های این شرکت‌ها طی سال‌های گذشته منفی بوده یعنی جمع دریافت‌های آن‌ها از جمع پرداخت‌هایشان بیش‌تر بوده است.

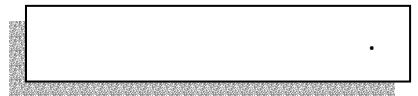


پوشش نهادها و مؤسسات عمومی، ۳۱۸ شرکت متعلق به بانکها و بیمه‌ها و ۴۵ شرکت سایر موارد هستند. لازم به توضیح است که میانگین نسبت سود به دارایی (به قیمت دفتری) شرکت‌های فوق صرفاً ۶/۱ درصد است و در صورت تجدید ارزیابی دارایی‌ها به ارزش روز درصد مزبور به رقم بسیار پایین‌تری کاهش خواهد یافت.

از کل شرکت‌های مزبور ۶۲۴ شرکت (۳۲ درصد) زیان‌ده (به مبلغ ۵۷۶۰ میلیارد ریال) و ۱۶۳ شرکت (۸ درصد) بدون سود و زیان و بقیه یعنی ۱۱۶۰ شرکت (۶۰ درصد) طبق دفاتر خود سود نشان می‌دهند که در صورت تجدید ارزیابی دارایی‌ها و احتساب استهلاك بر مبنای ارزش روز، تعداد شرکت‌های زیان‌ده به مراتب افزایش خواهد یافت. ضمن آن‌که طبق اظهار نظر مندرج در گزارش‌های سازمان حسابرسی، صورت‌های مالی و گزارش‌های پیرامون آن در ۱۶ درصد از شرکت‌های مزبور مردود یا عدم اظهار نظر بوده و در ۷۰ درصد موارد به طور مشروط مورد پذیرش قرار گرفته است.

به طوری که ملاحظه شد نقش و جایگاه شرکت‌های دولتی در اقتصاد کشور از اهمیتی بالا برخوردار است که عدم توجه به آن می‌تواند مشکلات اساسی موجود در کشور در این رابطه را تشدید نماید.

بدین دلیل در گام اول باید مشکلات این شرکت‌ها شناسایی و ردیابی شود و در گام دوم نظرات کارشناسان جهت رفع آن‌ها دریافت و در نهایت متناسب با نوع مشکل پیشنهادهایی مطرح شود اقدام گردد.



شرکت‌های دولتی با مشکلات و نابسامانی‌های فراوانی روبه‌رو هستند که به طور خلاصه در قالب مشکلات عمومی، مشکلات قانونی و مشکلات تشکیلاتی قرار می‌گیرند مشکلاتی همچون تحت‌الشعاع قرار گرفتن اهداف اقتصادی شرکت‌های دولتی



بر اساس نیازها و انگیزه‌های اجتماعی و سیاسی، عدم ارزیابی و تحلیل عملکرد شرکت‌های دولتی به علت مرتبط بودن آن با حوزه کاری مدیران ارشد سیاسی (مشکلات عمومی)، ضعف، تعدد و خلأ قانونی در اداره شرکت‌های دولتی، مبهم بودن تعریف قانونی شرکت‌های دولتی (مشکلات قانونی)، عدم ایفای صحیح نقش مجامع عمومی، فقدان سیستم‌های عملیاتی حسابرسی داخلی، برنامه‌ریزی و نظارت در شرکت‌های دولتی (مشکلات تشکیلاتی) از جمله ده‌ها مسأله و مشکل این شرکت‌ها است که می‌توان از آن‌ها نام برد.

شناخت کلیه این مشکلات و اولویت‌بندی آن‌ها و اقدام جهت رفع موانع از جمله مسائل مهم و استراتژیک در خصوص شرکت‌ها است که آثار قابل توجهی بر اقتصاد کشور خواهد داشت.

طبق بررسی‌های انجام شده شرکت‌های دولتی با بیش از ۴۰ مورد مشکل روبه‌رو هستند که با دسته‌بندی آن‌ها می‌توان دریافت که ۱۳ مسأله به عنوان مشکلات اصلی و بقیه منتج از مشکلات اولیه هستند برای مثال تغییر پیاپی مدیران که یکی از مشکلات شرکت‌های دولتی محسوب می‌شود، در حقیقت نتیجه مشکل بزرگ‌تری تحت عنوان عدم رعایت معیارهای شایسته‌سالاری در انتخاب مدیران است که دلیل آن نیز ترجیح عوامل سیاسی بر عوامل تخصصی است.

در جداول ذیل مشکلات اولیه و مادر مشخص شده و علت آن‌ها بیان گردیده است. همچنین نتایج که از این مشکلات حاصل می‌شود تعیین و راهکارهایی هم برای حل آن پیشنهاد شده است.

لازم به ذکر است که اجماع کلی بین شرکت‌کنندگان از جلسات کمیته نظارت کمیسیون اقتصادی در این رابطه حاصل شده است و جداول ذیل در حقیقت حاصل اجماع مذکور است.

<p>۱. فقدان استراتژی مشخص دولت در مورد شرکت‌های دولتی و عمومی</p>	<p>۱. تحت‌الشعاع قرار گرفتن اهداف شرکت‌های دولتی براساس نیازها و انگیزه‌های اجتماعی و سیاسی در سطح ملی، بخشی و منطقه‌ای؛</p>	<p>- اعمال تصدی بیش از اندازه در امور اقتصادی - عدم انطباق ماهیت واقعی برخی از شرکت‌ها با ماهیت بنگاهداری ۲. رشد یکباره و غیرمنطقی دولت به دلیل افزایش درآمدهای نفتی، ملی شدن و مصادره اموال افراد پس از انقلاب، و سلیق سیاسی</p>	<p>تدوین استراتژی</p>
<p>۲. عدم ایفای صحیح نقش مجامع عمومی</p>	<p>۱. تخصصی نبودن مجامع و مرتبط شدن نقش مجامع با حوزه کاری مدیران ارشد سیاسی ۲. عدم تناسب اوقات مدیران و وزرا با تعداد مجامع شرکت‌هایی که عضو آن هستند ۳. عدم وجود ساختار مناسب در دستگاه‌ها برای ایفای نقش مجامع و ارائه گزارش‌های لازم، ۴. وجود حق رأی مساوی بین وزرا بخشی و مسئولان فرابخشی عضو مجمع ۵- تفویض اختیار اعضا مجمع به رئیس مجمع</p>	<p>- عدم توجه به گزارشات حسابرسی و بازرس قانونی - امضای صورت‌جلسات به صورت دست گردان - عدم امکان نظارت مالی از طرف وزارت دارایی و نظارت عملیاتی از طریق سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به دلیل حق رأی مساوی اعضا - عدم امکان اعمال سیاست تشویق و تنبیه با توجه به عملکرد مدیران در مجامع</p>	<p>- انتخاب تخصصی اعضای مجمع عمومی، - پیش‌بینی تشکیلات و ساختار مناسب به عنوان دبیرخانه مجامع با حضور افراد متخصص و کارشناس - درخواست گزارش‌های مناسب و به موقع - ضرورت اخذ نظر موافق مسئولان فرابخشی حسب مورد در زمینه تصویب صورت‌های مالی و بودجه - عدم تفویض اختیار</p>
<p>۳. عدم رعایت معیارهای شایسته‌سالاری در انتخابی مدیران</p>	<p>۱. ترجیح عوامل سیاسی بر عوامل تخصصی، ۲. تحت نفوذ بودن مدیران از سوی وزرای عضو مجمع با گرایش خاص به وزرای بخشی ذی‌ربط</p>	<p>- تغییر پیاپی مدیران - توان پایین مدیران در اداره امور شرکت‌ها</p>	<p>- تدوین مجموعه معیارها و ضوابط انتخاب مدیران شایسته و مرتبط با حوزه کاری شرکت</p>
<p>۴. فقدان سیستم مناسب ارزیابی عملکرد مدیران</p>	<p>۱. وجود فضایی سیاسی حاکم بر اداره امور شرکت‌ها</p>	<p>- عدم امکان اعمال سیاست تشویق و تنبیه با توجه به عملکرد مدیران در مجامع - نبود آموزش کافی برای مدیران متناسب با وظایف</p>	<p>- تدوین ضوابط ارزیابی عملکرد مدیران - ایجاد یک سازمان و بانک اطلاعاتی مدیریت که عملکرد و سوابق کاری آن‌ها را به همراه روابط مابین شرکت‌ها از لحاظ مالی معاملاتی و پرسنلی شامل می‌شود</p>

<p>۵. فقدان سیستم اطلاعات مدیریت، برنامه‌ریزی، نظارت و حسابرسی داخلی</p>	<p>۱. مدیران سیاسی داوطلب سیستم‌های شفاف و کارآمد نیستند چرا که مناسبات حسابداری و حساب‌کشی فراهم می‌شود</p>	<p>- ضرورت اعمال تغییر در روش‌های بودجه‌نویسی</p>	<p>ایجاد و برقراری سیستم‌های عملیاتی لازم</p>
<p>۶. عدم ارزیابی و تحلیل عملکرد شرکت‌های دولتی</p>	<p>۱. عدم تمایل به ارائه نتایج عملکرد به علت مرتبط بودن آن با حوزه کاری مدیران ارشد سیاسی کشور ۲. استفاده از شرکت‌ها برای حل مسائل وزارتخانه‌ها</p>	<p>- عدم شفافیت مجموعه رانت‌ها و امکانات شرکت‌های دولتی و تأثیر منفی آن بر تعیین بازده واقعی اقتصادی - نبود آموزش کافی برای کارکنان و مدیران متناسب با وظایف محوله - وجود بدهی‌های قابل توجه به سیستم بانکی - عدم پیگیری حساب‌های فی‌مابین به خصوص در مورد شرکت‌های مادر و فرزند - روی آوردن برخی از شرکت‌های دولتی به مشاغل چون هتلداری و باشگاه‌داری - وجود مشکل نقدینگی</p>	<p>ارزیابی ادواری عملکرد شرکت‌های دولتی و ارائه گزارش‌های مربوط به مراجع ذی‌صلاح و ارائه نتایج به رسانه‌ها</p>
<p>۷. شرکت و عضویت تعداد قابل توجهی از اعضای هیأت مدیره و کارکنان شرکت‌های دولتی در هیأت مدیره شرکت‌های هم‌گروه و زیرمجموعه</p>	<p>اهمیت ندادن به نقش و جایگاه هیأت مدیره در اداره امور شرکت‌های دولتی و عدم ارتباط میان تأثیر این مدیران بر عملکرد شرکت‌های دولتی</p>		<p>برقراری ممنوعیت قانونی برای عضویت هیأت مدیره در شرکت‌های هم‌گروه با توجه به اوقات کاری مصوب</p>
<p>۸. اعمال حاکمیت توسط برخی شرکت‌های دولتی. مغایر اهداف اقتصادی آن‌ها</p>	<p>۱. گریز از قوانین و مقررات بدون توجه به پیامدهای آن ۲. الزام قانونی در قالب قانون تأسیس شرکت‌ها در لوایح بودجه سنواتی و سایر قوانین ۳. تمایل شرکت‌ها به انجام فعالیت‌های حاکمیتی به جهت استفاده بیشتر از منابع عمومی دولت برای پوشش عدم کارایی‌های اقتصادی</p>	<p>عدم انطباق ماهیت واقعی برخی از شرکت‌ها با ماهیت بنگاهداری</p>	<p>اجرای بند ب ماده ۴ قانون برنامه سوم</p>

<p>۹. ضعف، تعدد، تضاد و خلل قانونی در اداره شرکت‌های دولتی</p>	<p>۱. عدم توجه به ماهیت شرکت و عدم تمیز آن از ستاد دولت ۲. نبود قانون جامع واحد برای تشکیل، مدیریت و نظارت بر بنگاه‌های اقتصادی دولت</p>	<p>- عدم تمکین بعضی از شرکت‌های دولتی از قوانین و مقررات حاکم در پرداخت‌های پرسنلی مانند قانون نظام هماهنگ پرداخت - مشکلات اساسی در نظام پرداخت به کارکنان که باعث ضعف در استخدام افراد متخصص شده است. - استفاده از مجوزهای قوانین بودجه سالانه و تأسیس تعداد زیادی شرکت دولتی که فاقد فعالیت هستند - عدم توجه کافی به تقویت نهادهای نظارتی دولت و عدم وجود ضمانت اجرایی کافی جهت کار آنها - عدم طرح بودجه شرکت‌های دولتی در مجامع و طرح آن در قانون بودجه صرفاً با هماهنگی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی - کامل و هماهنگ نبودن مقررات قانونی مربوط به واگذاری سهام شرکت‌های دولتی - نحوه اجرای طرح‌های عمرانی و سرعت زیاد تشکیل شرکت‌های دولتی به دلیل انجام این طرح‌ها - نحوه اجرای طرح‌های عمرانی با تابعیت از آیین‌نامه معاملات دولتی و نحوه اجرای طرح‌های منابع داخلی با آیین‌نامه داخلی شرکت - وجود محدودیت‌های اساسی و قوانین دست و پاگیر در مقابل شرکت‌های دولتی به دلیل عدم تفاوت قائل شدن بین قوانین</p>	<p>- شناسایی مصادیق و ارائه اصلاحیه‌های قانونی لازم به مراجع ذیصلاح جهت تصویب - تدوین قانون جامع برای شرکت‌های دولتی برای شناسایی و نحوه اداره شرکت‌های دولتی</p>
--	---	--	--

	<p>حاکم بر شرکت‌های دولتی و ستاد دولت</p> <p>-تعدد، تداخل و تعارض نهادهای نظارتی</p> <p>-مبهم بودن تعریف قانونی شرکت‌های دولتی</p> <p>- مشخص نبودن حدود اختیارات، وظایف، تعداد، ترکیب، نحوه انتخاب و ضمانت‌های اجرایی و ... در شرکت‌های دولتی</p>		
<p>۱۰. ضعف در تصمیم‌گیری نسبت به تعیین تکلیف شرکت‌های کم‌بازده، زیان‌ده و غیرضروری و عدم برنامه‌ریزی مناسب و قاطع و فراهم نمودن زمینه برای خصوصی‌سازی و عدم اجرای قانون برنامه سوم</p>	<p>۱. حفظ قدرت و قدرت‌نمایی</p> <p>۲. بهره‌مند شدن از امکانات شرکت‌های تابعه و وابسته</p> <p>۳. عدم حساب‌کشی از مدیران ارشد سیاسی در این رابطه</p> <p>۴. تداخل وظایف حاکمیتی و تصدی‌گری و عدم تفکیک واقعی آن‌ها</p> <p>۵. عدم الزام مدیران ارشد اجرایی در رابطه با اجرای برنامه خصوصی‌سازی</p> <p>۶. ساختار نامناسب مالی / عملیاتی شرکت‌های قابل واگذاری</p> <p>۷. وجود مشکلات حقوقی و قانونی در اجرای سیاست خصوصی‌سازی</p>	<p>- تأخیر در تشکیل شرکت‌های مادر تخصصی</p> <p>- اعمال تصدی بیش از اندازه در امور اقتصادی</p> <p>- واگذاری سهام شرکت‌های دولتی به بخش عمومی به جای بخش خصوصی</p>	<p>- ارائه گزارش‌های ادواری سالانه به هیأت دولت در این خصوص و انجام تضییقاتی برای غیرفعالان در امر خصوصی‌سازی</p> <p>- فراهم ساختن زمینه حضور سرمایه‌گذاران خارجی</p> <p>- رفع مشکلات حقوقی / قانونی در امر خصوصی‌سازی</p> <p>- تسریع در اجرای کامل قانون برنامه سوم</p>
<p>۱۱. وجود بعضی انحصارات در شرکت‌های دولتی</p>	<p>۱. تکالیف قانونی که به موجب آن برخی از فعالیت‌ها را صرفاً به بخش دولتی محول کرده است.</p> <p>۲. وجود فعالیت‌هایی که به دلیل نیاز به منابع مالی زیاد، بخش غیر دولتی توانایی ورود به آن فعالیت را ندارد.</p> <p>۳. وجود قوانین و مقررات خاص فعلی که به ایجاد انحصار به نفع شرکت‌های دولتی و اعطای امتیاز استثنایی به آن‌ها منتهی شده است.</p>	<p>- اصلاح قوانین به گونه‌ای که منعی برای حضور بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی وجود نداشته باشد</p> <p>- لغو انحصارات دولتی و حمایت از بخش غیردولتی همزمان با لغو انحصارات ناشی از مقررات مصوب دولت</p> <p>- اتخاذ تدابیر لازم به منظور حضور بخش خصوصی در فعالیت‌هایی که نیازمند سرمایه‌گذاری‌های وسیع است</p>	

<p>۱۲. نحوه بودجه‌بندی، تصویب و اجرای آن</p>	<p>- قدیمی بودن روش‌های مورد استفاده در برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی</p>	<p>- عدم طرح بودجه در مجامع به دلیل عدم متناسب مهلت تعیین شده در بخشنامه بودجه با زمان لازم جهت طی مراحل تهیه و تنظیم بودجه - تحمیل هزینه‌های حاکمیتی و سربار به شرکت‌ها از طرف وزارتخانه‌ها - وجود مشکل نقدینگی و بدهی‌های قابل توجه به سیستم بانکی - تنظیم بودجه بدون توجه به بهای تمام شده واقعی و سوبسیدهای پرداختی</p>	<p>- استفاده از نظام برنامه و بودجه بر مبنای صفر و ترویج بودجه عملیاتی در شرکت‌های دولتی به جای بودجه سرفصلی - فرصت کافی برای ارائه بودجه شرکت‌های دولتی در بخشنامه</p>
<p>۱۳. مشکلات ناشی از اجرای طرح‌های عمرانی</p>	<p>۱. اجرای طرح‌های عمرانی دستگاه‌های اجرایی توسط شرکت‌های دولتی ۲. عدم توجیه فنی و اقتصادی طرح‌ها ۳. طولانی شدن زمان اجرا به دلایل زیر: الف) افتتاح و شروع تعداد زیادی طرح بدون توجه به منابع ریالی و ارزی لازم ب) تأمین اعتبار ناقص طرح‌های مذکور در طی سنوات اجرای آن‌ها ج) تعطیل بودن اجرای طرح‌های عمرانی در سه ماه اول سال به دلیل عدم ابلاغ بودجه و سه ماهه آخر سال به دلیل کاهش دریافتی دولت د) یک ساله تصویب شدن طرح‌های عمرانی و بلا تکلیفی طرح‌ها برای اتخاذ سیاست‌های بلند مدت</p>	<p>- طی سال‌های آینده، چند هزار شرکت دولتی به دلیل در دست اجرا بودن تعداد قابل توجهی طرح عمرانی بوجود می‌آید</p>	<p>عدم اجرای طرح‌های عمرانی توسط شرکت‌های دولتی و واگذاری آن‌ها به متقاضیان بخش خصوصی</p>



:

: مشکلات شرکت‌های دولتی

: مطالعات برنامه و بودجه

: مهندس شمس وهابی

(ریاست کمیته نظارت کمیسیون اقتصادی)

: محمدرضا مجلل

: ناهید حکیم شوشتری

:

۱. شرکت‌های دولتی (State – Owned Enterprises)

:

۱. سند برنامه سوم توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
۲. سلسله جلسات برگزار شده با حضور کارشناسان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، سازمان حسابرسی، دیوان محاسبات کشور، وزارت امور اقتصادی و دارایی و مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در کمیته نظارت کمیسیون اقتصادی.